

خداوندا آرامش خود را به همه ما اعطا فرما . امین

یکشنبه ترینیتات، متی 7 آیه 24 تا 27

هر که احکام مرا می شنود و انرا به جا می آورد، شخصی دانا است. او مانند آن مرد عاقلی است که خانه اش را بر صخره ساخت. هرچه باران و سیل و توفان بر آن خانه وزید آن خانه خراب نشد. اما کسیکه احکام مرا می شنود و انرا اجرا نمی کند نادان است، درست مثل کسی که خانه اش را بر شن و ماسه ساخته است. وقتی باران و سیل و توفان و باد بر آن خانه وزید ، آنچنان خراب شد که از آن اثری باقی نماند.

ما دعا می کنیم: ای سرور ما ، کلام خود را بر همه ما برکت بده. امین

تو کی هستی؟ یک مرد و یا یک زن باهوش، یا یک مرد یا زن جاهل هستی؟ در پایان موعظه سر کوه این را عیسی کاملاً مستقیم بیان می کند: همه کسانی که به من می گویند : ای آقا ای سرور ما ، اجازه بده تا ما هم به ملکوت وارد شویم، به ملکوت وارد نمی شوند بلکه کسانی وارد خواهند شد که احکام خدا را انجام می دهند. زن و مرد دانا خانه خود را بر صخره بنا می کند و زن و مرد نادان خانه خود را بر ماسه و شن. هر دو خانه از لحاظ ظاهری تقریباً شبیه هم هستند و هر دو زیبا به نظر می رسند هر دو شامل بهترین امکانات و با تکنیک انرژی خورشیدی برای سیستم گرمایی و با نقشه ساختمانی خوب برای تقسیم اتاق ها و ... و هر دو خانه هایی هستند که آدم توی آن احساس راحتی می کند. بالاخره یکرویی زندگی طولانی به حقیقت نزدیک شده ولی بابت آن قیمت زیادی پرداخت شده است! برای تمام کسانی که به نوعی نتوانستند خانه ای بسازند متوجه شدند: که عیسی در آن زمان در یک فرم کاملاً نورمال زندگی بوده است، او در یک خانه زندگی می کرد، و هیچ هم خانه ای نداشته و به این دلیل هم خانه ها اکثراً خیلی کوچک بوده اند و ساده و نیازی نبود که آدم از بانک وام های با بهره زیاد دریافت کند تا خانه دار شود. ما این تصویر را از خانه در کل در نظر می گیریم که: خانه شامل رؤیای تو و هدف تو و ترقی کردن در شغل و زندگی خانوادگی خوب در نظر گرفته می شود. حال یک زندگی می شود در نظر گرفت که بالاتر از این باشد: این خانه می تواند از این لحاظ ارزش داشته باشد که نشان این بود ، من می توانم از بابت آن مغرور باشم و به داشتن این خانه افتخار کنم و آن نشان موفقیت من در زندگی است. یک خانه به نوعی دستاوردی بود ظاهری و نشانگر موفقیت در زندگی بود و هست. همانطور که گفته شد هر دو خانه تقریباً به هم شبیه هستند و از لحاظ ظاهری به ندرت با هم تفاوت دارند. ولی قطعاً یک تفاوتی در تصمیم گیری برای انتخاب یکی از آن دو خانه وجود دارد. و آن اینکه یکی از آن ها بر صخره بنا شده و دیگری بر

ماسه. اینجا حال سؤال یا اعتراضی بوجود میاد: کسی هست که خانه‌اش را بر ماسه بنا کند؟ اینجا این اعتراض پیش میاد که ، کسی این کار را نمی کند. هر کسی این را می‌داند که نباید چنین کند. حال شاید یک زمانی که هیچ داستان غم انگیزی را در پی نداشته اما چه مدت این می‌توانسته ادامه داشته باشد؟ در ابتدا نسبت به این سؤال اعتراض بوجود میاد در رابطه به آزادی انتخاب به تصمیم گیری ولی وقتی نزدیکتر می‌شویم ما متوجه می‌شویم : کاملاً یک همچین چیزی وجود دارد. وقتی ما خانه هامن را در یک مکانی بنا می‌کنیم، بعد از صدها سال این احتمال وجود دارد که آن‌ها نیز غرق شوند و آدم وقتی این را می‌گوید یاد آسیب های تابستان سال 2013 می‌افتد که همگی از گذشته سرچشمه می‌گرفت و درست مثل برخی از رؤیاهای زندگی در میان گل و لای غرق شد. اما در ادامه ، پس درست‌ترین کار چیست: خانه‌ات را روی صخره و یا بر ماسه بنا کنی؟ جواب ساده این است که یکی هست که زندگی‌اش را با خدا در نظر گرفته است و دیگری بدون خدا و یکی هست که خودش را به کلیسا متصل کرده و دیگری بدون کلیسا زندگی می‌کند و این درست همان مثال خانه هاست. ولی برای عیسی که این موضوع همیتی نداشت و هر دو خانه به کسانی تعلق داشتند که می‌گفتند سرور ما ، سرور ما! هر دو آن‌ها در مراسم عبادت خدا بودند. و هر دو درباره خدا شعرهای کتاب مزامیر را خواندن: ای عیسی سرور ما! رحمتت را به ما اعطا کن! در هر دو زندگی خدا و عیسی و کلیسا دارند نقش بازی می‌کنند. و هیچ خطی برایتقسیم افراد به بی دین یا مسیحی نیست و یا کسانی که شعر های کلیسا را می‌خوانند و یا کسانی که کلیسا را ترک می‌کنند و یا اصلاً به کلیسا تعلق ندارند و یا فقط در روی برگه مسیحی به شمار می‌روند. و کسی که همچین معنی رو از این قسمت کتاب برداشت می‌کند دیدی نسبت به مرد نادان و دانا و تفاوت ساختن خانه بر صخره و ماسه را می‌فهمد. و در این دو قدرت اختیار است که تفاوت را ایجاد می‌کند: \* شما خلافاً کنید و نه فقط یک شنونده و این خیانتی است که شما شخصاً انجام دادید\* این در نامه یعقوب به اجتماعی از مسیحیان بیان شده‌است. شما خودتان همچین کاری را مرتکب می‌شوید وقتی فقط به این مسیحیت را خلاصه کردید که می‌گویید: ای سرور ما ، ای سرور ما! شما در عمل چه می‌کنید، جز اینکه مرتباً به کلیسا بروید، اگر اینطور بود که همه چیز می‌توانست مثل قبل باقی بماند. و در تمام روزها ما با خدا کاری نداریم اصلاً. \* شما خلافاً کنید و نه فقط یک شنونده کلام خدا، این چیزی است که یعقوب در پی گفته عیسی بیان می‌کند. پولوس این را به نوعی دیگر بیان می‌کند: \* تمام زندگیتان را مثل عبادت خدا ، به یاد او نگاه دارید، چه در روابط خانوادگی ، چه در دوستی‌ها ، چه زمان تنهایی ، یا هنگام کار و در نهایت بازنشستگی. چه در اجتماع کلیسایی و

چه در خانه و چه در هر جای دیگر مثل مرکز شهر و با همسایه و ... باید این را رعایت کنیم\* ولی حال ما این تسلی را با خود داریم؟ این تسلی را که خدا از طریق انجیل به ما هدیه داده است و این تسلی که ما با آن در محضر خدا به عدالت می‌رسیم و اینکه هیچ‌کس در این راه عبادت نمی‌تواند عدالت را برای خدا رعایت کند و توان آن را ندارد و عیسی به تنهایی عادل و منصف است برای ما چون او گناهان ما را به دوش کشید و بر روی صلیب رفت. حال اینجا عیسی میاد بشارت خودش را نابود کند و رهایی خودش را به خیلی کسان دیگر بدهد؟ حال ما که خودمان را تنها کسانی می‌دانستیم که بر او ایمان داشتیم را رها می‌کند؟ برای این ما باید یک بار دیگر موعظه سر کوه را ببینیم. آنجا همه چیز روشن خواهد شد، که او ما را در یک راه آسانی قرار نداده است. جایی که با یک خدا و با عدالت سنگ فرش شده است، ما نیستیم. خدا این را انجام داده است و تو را بر زمین گل آلود رها کرده است! این راه را وقتی باهانش مواجه می‌شویم باید بدون امید به توانایی خودمان، نیروی خود را نادیده گرفته و با بیچارگی این را بپرسیم که، این تا کی برای من ادامه دارد و من کی صلاحیت حضور در ملکوت خداوند را دارم. و برای آن من باید همیشه تردید کنم. ما در اینجا مستقیماً کلماتی در باب ساختن خانه می‌شنویم حال ما این را مورد بررسی قرار می‌دهیم: عیسی از کار کردن حرف نمی‌زند بلکه از ثمره دادن صحبت می‌کند: از ثمره خود باید این را بدانید که آیا آدم می‌تواند از خار و تیغ انگور بگیرد و یا از تیغ انجیر برویاند؟ از هر درخت خوبی، میوه خوبی هم عمل می‌آید. ولی یک درخت فاسد دارای میوه فاسد می‌شود. و یک درخت خوب میوه بد نمیدهد و یک درخت بد هم میوه خوب نمیدهد. حال این تفاوت معنا دار می‌شود: من با کار کردن نتیجه آن محصول نهایی را مشخص می‌کنم. و وقتی ثمره را می‌بینم باید به درخت توجه کنم و به ریشه‌ها بنابراین این مثال برای میوه درختان کاملاً با مثال خانه می‌تواند تطابق داشته باشد و این بسته به نمای بیرونی خانه نیست بلکه به مواد تشکیل‌دهنده آن است. کارهای خوب را برخی مردم بدون در نظر داشتن خدا هم می‌توانند داشته باشند. و آن‌ها این کارها را با توجه به اخلاقیات و یا موارد مربوط به انسانیت انجام می‌دهند. ولی اینجا موضوع مربوط به ثمره می‌شود. یک درخت خوب نیاز ندارد که تلاشی انجام دهد تا میوه خوب بدهد و این ذاتی است که در آن قرار دارد. و این به این ربطی ندارد که من کار خوب انجام دهم بلکه این مربوط به این است که من خواست خدا را رعایت

کنم در زندگی. ولی حال چطور من می‌توانم یک درخت خوب شوم و درخت خوب بمانم؟ خبر بد اینکه: من به تنهایی نمی‌توانم درخت خوب باشم. خبر خوب این است که: خدا مرا برای اینکه درخت خوبی باشم افرید. اینطور ما اجازه داریم ببینیم که چه اتفاقی در تعمید برای ما می‌افتد، پولوس این را می‌گوید که: آدم قدیمی در من می‌میرد و دفن می‌شود و یک انسان جدید آفریده می‌شود. در تصویر درخت ما این را می‌گوییم: از یک درخت بد، خداوند یک درخت خوبه وجود آورد. و حال این می‌تواند مطرح شود که این درخت خوب یک باغبان خوبی داشته است که از این درخت به خوبی نگهداری کرده است و به‌موقع آن را حرص کرده است و این درخت تبدیل به یک درخت خوب شده است. ما حال در این موعظه داریم این را از خدا می‌طلبیم که او این کار را انجام دهد و یک درخت خوبی در ما پروراند. و این به این ترتیب اتفاق می‌افتد که من به تنهایی یا با یک گروهی این انجیل را در دست گیرم و به درک عمیق‌تر آن بپردازم. و این می‌تواند اینطور باشد که والدین و یا پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها داستان‌های انجیل را برای بچه‌ها بخوانند وقتی می‌خواهند آن‌ها را برای خواب آماده کنند. این وقتیمیشود که ما برای بچه‌ها پدر تعمیدی تعیین کنیم. \* هر درختی که نمی‌تواند از میوه اش برای شراب استفاده کرد اما منظور این بوده است که از هر درختی که ثمره می‌دهد، از خدا برمیاد که آن میوه بیشتر شود و این میوه باقی بماند تا جاودانگی. و حال یک سئوالی هنوز روشن نشده است برایمان: حال با این رگبارها و ... چه می‌توان کرد و برخی می‌گویند در این دایره زندگی خانه‌ها یه لرزه در خواهند آمد و با گذشت زمان و فرسوده شدن بهر حال فرو خواهند ریخت. ولی ما باید همه به آخرین دایره زندگی فکر کنیم. و ما در آنجا است که پایداریم: این را خدا وعده داده است. او به کارهایی که من انجام داده‌ام در عمل نگاه می‌کند، او به ثمره نگاه می‌کند و آنجا است که معلوم می‌شود که آیا من یک درخت خوب بوده‌ام و یا خیر و آیا من خانه‌ام را بر صخره بنا کرده‌ام و یا خیر و آیا من واقعاً به عیسی تعلق دارم و یا خیر و اینهاست که مرا به یک درخت خوب تبدیل می‌کند و میوه خوبی که او عمل می‌آورد تا ابد باقی خواهد ماند. امین

دعای پایان عبادت: ای سرور ما، به ما این شایستگی را اعطا کن تا لایق این باشیم تا کلام مقدس تو بر ما روانه شود و ما تقاضا می‌کنیم: بگذار که از طریق روح القدس، ثمره آن خاک حاصلخیز بر ما فرو ریزد و اینطور شود که ما ثمره دهیم و این ثمره قابل احترام است و ماندنی. و از تو می‌طلبیم سرور ما عیسی مسیح.

امین

و آرامش خداوند که برتر از تمام درایت هاست، از قلب‌های ما حفاظت کند تا در عیسی مسیح که نهایت هدف ماست برسیم. امین